

زندگی با آیات

دفتر
مقاومت
پایروز

آیات مقاومت

مناسب کرسی‌های تلاوت تدبری و منابر کوتاه

فاطمیه ۱۴۰۳

پیغامِ نبوی
رسول اللہ ﷺ
خدای برزاق مناسبت همیشه بدنا

زندگی با آیة‌ها

دفتر
مقاومت
پسینروز

آیات مقاومت

مناسب کرسی‌های تلاوت تدبیری و منابر کوتاه

فاطمیه ۱۴۰۳

رضا رضای رحمتی، حمیدرضا محمودخانی



زندگی با آیه‌ها

دفتر اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- نام کتاب: زندگی با آیه‌ها، دفتر «مقاومت و پیروزی»
- نویسنده: رضا رضای رحمتی، حمیدرضا محموددخانی
- ناشر: انتشارات تلاوت
- نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۳
- شمارگان: ۵ هزار نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۷۲-۹۳-۲
- قیمت: ۵۰ هزار تومان



فهرست

۹ ■ مقدمه

مبحث اول: کلان نگریم آرزوست!

- ۱۵ «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۵﴾ إِنْ يَمَسَّكُمْ فِتْرٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فِتْرٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ»
- ۱۶ مقصر اصلی حوادث فاطمیه مردم یا عده خاص؟!
- ۱۷ عدم کلان نگری و آینده نگری مردم مدینه
- ۱۸ جامعه ظهور، جامعه کلان نگر و آینده نگر است
- ۱۸ آثار تربیتی کلان نگری و آینده نگری
- ۱۹ تلاوت قرآن، تمرین کلان نگری و آینده نگری
- ۱۹ آیه ای برای کلان نگرها و کلان نگری
- ۲۱ ضربات کاری طوفان الاقصی بر جان اسرائیل چه بود؟ چرا این طرف
قصه را نمی بینی؟!
- ۲۲ خدا با امتحان جهاد یک گروه را خالص و گروه دوم را نابود می کند

مبحث دوم: چشم‌ها را باید شست

- ۲۵ «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاسْتَخَوْهُمُ فَرَادَهُمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»
- ۲۶ اولین اثر قرآن در وجود انسان چیست؟! تغییر معادلات و محاسبات ذهنی



- ۲۷ قرآن؛ نظام محاسباتی‌ات را نسبت به شهید و شهادت عوض می‌کند
- ۲۸ حال سید حسن نصرالله چطور است؟
- ۲۹ پیام شهدا برای ما چیست؟
- ۲۹ فقط کافی است نترسیم! ترس از دشمن ناشی از خطای محاسباتی است
- ۳۰ تکیه‌گاه تو کیست؟
- ۳۰ دشمن روی ترساندن شما حساب باز می‌کند
- ۳۱ امام: اگر من بودم ناو آمریکایی را هدف قرار می‌دادم
- ۳۲ دلیل عدم ترس امام چیست؟
- ۳۳ جنگ روانی خدا با القاء ترس به دشمن
- ۳۳ ترس انصار؛ مانع قیام در فاطمیه

مبحث سوم: دختری در شهر پدرش غریب مانده!

- ۳۵ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»
- ۳۶ چرا فاطمه اطهر^{علیها السلام} در شهر پیغمبر غریب ماند؟!
- ۳۸ انتظار حضرت زهرا^{علیها السلام} از مردم چه بود؟ زندگی جهادی و مختصات آن
- ۴۱ انتظار خدا از ما در امتحان جبهه مقاومت
- ۴۲ سهم تو از جهاد در مقاومت چیست؟!

مبحث چهارم: خطای محاسباتی!

- ۴۵ «كَفَرْنَا مِنْ قَلِيلَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئْتَهُ كَثِيرَةٌ يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»
- ۴۶ چقدر امکانات مهم است؟!
- ۴۸ اشعث رهبر جریان «ما نمی‌توانیم»
- ۴۸ جریان «ما می‌توانیم»!



- ۵۰ کمک خدا هم بی حساب و کتاب نیست
- ۵۲ امام خمینی علیه السلام و شعار ما می‌توانیم
- ۵۲ منطقی مقاومت
- ۵۳ مشکل مردم مدینه، خطای محاسباتی

مبحث پنجم: منافع مقاومت بیشتر یا منافع سازش؟!

- ۵۵ «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»
- ۵۶ دین با منافع آدم چه تناسبی دارد؟!
- ۵۶ دین، برنامه تأمین حداکثری منافع است
- ۵۸ منافع مقاومت بیشتر است یا منافع سازش با دشمن؟!
- ۵۹ با ادبیات خدا صحبت کن
- ۶۰ چرا ما امروز در کنار جبهه مقاومت هستیم؟
- ۶۱ مقاومت، راه حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و ...
- ۶۲ بیداری جهانی، اولین فایده مقاومت مردم غزه و لبنان
- ۶۵ قانون جذب کمک خدا
- ۶۵ روزی که دیر نیست، روزی که دور نیست

آیات مقاومت

- ۶۷ برکات پنهان مبارزه (بقره، ۲۱۶)
- ۶۸ دشمنی دیرینه (بقره، ۱۲۰)
- ۶۸ یک قدم از تو، هزار قدم از من (محمد، ۷)
- ۶۸ همراهان محمد صلی الله علیه و آله چگونه‌اند؟ (فتح، ۲۹)
- ۶۹ وقت یکی شدن است (آل عمران، ۱۰۳)
- ۶۹ حقانیت وعده نصرت (روم، ۶۰)
- ۷۰ آینده روشن و ظهور منجی (قصص، ۵)
- ۷۰ زنده بودن و پیام شهدا (آل عمران، ۱۶۹ و ۱۷۰)



- ۷۰ منطق ظلم ناپذیری (بقره، ۲۷۹)
- ۷۱ سست‌تر از همه خانه‌ها (عنکبوت، ۴۱)
- ۷۱ پیام ملائکه؛ نترسید و غم نخورید (فصلت، ۳۰)
- ۷۱ شکست حتمی دشمن (آل عمران، ۱۱۱)
- ۷۲ کم نیاورید! (هود، ۱۱۲)
- ۷۲ نصرت نزدیک و قطعی خدا در سختی‌ها (بقره، ۲۱۴)
- ۷۳ نبرد با رهبران کفر (توبه، ۱۲)
- ۷۳ انتقام از مجرمین (سجده، ۲۲)
- ۷۳ جنگ روانی دشمن (آل عمران، ۱۷۵)
- ۷۴ دفاع خدا از مؤمنان / اذن جنگ در برابر ظلم / نصرت قطعی خدا (حج، ۳۸-۴۰)
- ۷۵ جهاد مالی (توبه، ۴۱)
- ۷۵ جنگ تارفع فتنه (انفال، ۳۹)
- ۷۵ آینده روشن و ظهور (اعراف، ۱۲۸)
- ۷۶ وظیفه دفاع از مظلوم (نساء، ۷۵)
- ۷۶ سست نشدن در ادامه مسیر مبارزه (نساء، ۱۰۴)
- ۷۷ روایت پیروزی‌های حق با سپاه رعب (حشر، ۲)
- ۷۷ صبر فردی و جمعی و توسعه مقاومت (آل عمران، ۲۰۰)
- ۷۸ وظیفه قطع رابطه با دشمن (ممتحنه، ۱)
- ۷۸ عقب‌نشینی و غضب الهی (انفال، ۱۵ و ۱۶)
- ۷۹ ترس شدید دشمن از مؤمنان و اختلافات درونی‌شان (حشر، ۱۳ و ۱۴)
- ۸۰ اطاعت ویژه از رهبری و عدم نزاع درونی (انفال، ۴۵ و ۴۶)
- ۸۰ دشمنی دیرینه صهیونیست‌ها (مائده، ۸۲)



مقدمه

در روزگار ما، مفهوم مقاومت یکی از ارزشمندترین پیام‌هایی است که قرآن کریم به انسان‌ها ارائه می‌دهد. این پیام نه تنها برای یک دوران خاص، بلکه برای همه‌ی نسل‌ها و دوران‌ها آموزنده و سازنده است. قرآن مقاومت و استقامت را به عنوان نیرویی معرفی می‌کند که در همه‌ی ابعاد زندگی بشر جاری است، از میدان نبرد و مقابله با دشمنان خارجی گرفته تا درون قلب‌ها و ایستادگی در برابر وسوسه‌ها و چالش‌های درونی.

در شرایط سخت و پیچیده کنونی که دشمن اقدام به طراحی عملیات روانی گسترده با هدف ایجاد جو ناامیدی و یأس، برای تضعیف روحیه مردم زده است، جامعه به شدت نیازمند امید و اتکاء به خدای متعال و وعده‌های او است. قرآن کریم، با تأکید بر آینده‌ای روشن، با وعده پیروزی و غلبه بر مشکلات، به مؤمنان آرامش بخشیده و آن‌ها را به استقامت



در راه حق دعوت می‌کند. ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِثْلُهُ
وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۱ قرآن می‌گوید حتی اگر
دشمن در برهه‌ای از زمان جنایت‌هایی رقم زد و ضرباتی به
جبهه حق وارد نمود، نباید باعث سستی و ناامیدی مؤمنین
شود. چون این شکست‌ها و پیروزی‌ها همگی در طراحی
خداست برای امتحان مؤمنین و نابودی دشمنان و مطمئن
باشید «قاعده همیشه صادق جهان» این است: شما
دست برتر را دارید؛ فقط به یک شرط و آن هم بهری مندی
از ایمان. پیروزی قطعی است چون سنت قطعی خداوند،
پیروزی مؤمنین در فرض انجام وظایف است. جبهه حق،
با همین توکل و اعتماد به وعده‌های الهی است که می‌تواند
این مسیر را به سرانجام برساند. وقتی دشمنان می‌خواهند
با نشان دادن اجماع و صف‌آرایی جبهه باطل در مقابل
حق، دل مؤمنان را خالی کنند ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ
النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ﴾ آنان نه تنها نمی‌ترسند،
بلکه ایمان‌شان بیشتر می‌شود ﴿فَزَادَهُمْ إِيمَانًا﴾ و حرفشان
این است: ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾^۲ خدا که باشد همه

۱. آل عمران، ۱۳۹ و ۱۴۰.

۲. آل عمران، ۱۷۳.



چیز درست می‌شود و جای هیچ ترسی نیست. این مؤمنان صادق با تمامی امکانات خود وارد میدان می‌شوند به این فرمان خدا لبیک می‌گویند: **﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾**^۱ چرا که حمایت همه جانبه از جبهه مقاومت را وظیفه قطعی خود می‌دانند. مؤمنین نمی‌ترسند و به مسیر خود ادامه می‌دهند چرا که این قاعده قرآنی را از صمیم قلب باور دارند: **﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾**^۲ داستان‌های قرآنی مانند داستان حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل و طالوت و جالوت، نمونه‌هایی از پیروزی جبهه حق بر باطل در عین کمتر بودن تجهیزات و امکانات و نیروها است، که نشان می‌دهد با توکل بر خدا و استقامت، می‌توان بر دشمنی‌ها غلبه کرد. همان اتفاقی که در طوفان الاقصی شاهدش بودیم. شرط پیشرفت و فزونی ارزاق مادی و وفور نعمت و آبادی و عمران و برکات مادی همین استقامت است: **﴿وَأَنْتُمْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذْقًا﴾**^۳ مؤمن در برابر سختی‌ها پایش سست نمی‌شود، چرا که این سیر را سیر طبیعی تحقق آینده روشن

۱. حج، ۷۸.

۲. بقره، ۲۴۹.

۳. جن، ۱۶.



و اراده خدای متعال بر پیروزی قطعی مستضعفان و ظهور منجی عالم بشریت می‌داند.

نهضت ملی زندگی با آیه‌ها، با هدف بلاغ مبین معارف و آیات مقاومت در راستای جهاد تبیین قرآنی می‌خواهد با توجه به چالش‌های ذهنی جامعه، با روایتی ناب از معارف قرآن، امید و حماسه را تقویت و گفتمان مقاومت را از منظر قرآن کریم تبیین نماید. بر این اساس برای انتخاب ۲۰۰ آیه مورد نیاز جامعه، یک کار پژوهشی ویژه‌ای بر روی روایات و آثار اندیشمندان صورت گرفت. آیات منتخب مقاومت، که پیش‌روی شماست، از ۲۰۰ آیه مذکور انتخاب شده است. ۵ آیه برای تمرکز بیشتر و گفتمان‌سازی جدی‌تر به عنوان آیات محوری و ۳۰ آیه برای تکمیل و بهره‌مندی در سایر قالب‌ها و ظرفیت‌ها و طراحی‌ها ارائه می‌گردد.

در ابتدای این کتابچه، پنج منبرک به آیات محوری و کلیدی پرداخته و راهی را برای فهم بهتر و عمیق‌تر پیام‌های قرآن کریم باز کرده است. در ادامه نیز، سی آیه‌ی دیگر به همراه ترجمه آورده شده تا مخاطب با مجموعه‌ای کامل و الهام‌بخش از آیات مقاومت مواجه شود. این آیات از زوایای مختلف به مسأله مقاومت می‌پردازند، نشان می‌دهند که چگونه انسان می‌تواند با نیروی ایمان و توکل،



در برابر سختی‌ها و دشمنان ایستادگی کند و پیروزی واقعی را به دست آورد.

امید است این کتابچه، چراغ راهی باشد برای هر قلبی که در جستجوی روشنایی و نیرویی برای ایستادگی در برابر ناملایمات و پیروزی در مسیر حقیقت است. با مطالعه این آیات، می‌توان درس‌هایی گرفت که به انسان کمک می‌کند تا در برابر همه‌ی چالش‌ها و مشکلات زندگی، ثابت قدم و استوار بماند و به وعده‌های الهی امیدوار باشد. این اثر تقدیم به مادر مقاومت می‌گردد که با الگوگیری از او مثل مادر مقاومت کنیم.





مبحث اول

کلان نگریم آرزوست!

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرَحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوِلَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَلِيُمَجِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾﴾

۱. و [در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی هایی که به شما می رسد] اندوهگین مشوید، چون شما حقیقتاً برتر هستید، به شرطی که واقعاً ایمان داشته باشید! اگر در جنگ احد شما ضربه ای خوردید، در جنگ بدر هم دشمن ضربه ای مشابه خورد. طبق مصلحت، روزهای پیروزی و شکست را بین مردم دست به دست می کنیم تا خدا کسانی را که واقعاً ایمان آورده اند، معلوم کند و از بینتان گواهانی بر کارهایتان بگیرد... خدا بدکارها را دوست ندارد. و تا مؤمنان را خالص و [از عیوب و آلودگی ها] تصفیه و پاک کند و بی دین ها را کم کم معدوم سازد.



مقصر اصلی حوادث فاطمیه مردم یا عده خاص؟!

خیلی از اوقات در تحلیل فاطمیه، ما بسنده می‌کنیم به اینکه عده خاص، مقصر اصلی فاطمیه بودند و مردم هیچ نقشی در حادثه عظیم فاطمیه نداشتند، در حالی که وقتی شما به جملات حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه و به حرکت حضرت زهرا علیها السلام در رفت و آمد به درب خانه مردم مدینه نگاه می‌کنید می‌بینید مسئله یک عده خاص فقط نیستند، مسئله اصلی حضرت زهرا علیها السلام مردمی است که وقتی آنها را خطاب قرار می‌دهد که برخیزید و قیام کنید، قیام نمی‌کنند؟! مسئله سستی و کوتاهی مردم است. به آنها می‌فرماید شما توان تغییر اوضاع را دارید، چرا اقدامی نمی‌کنید؟! از دست مردمی ناراحت هستند، لذا می‌فرمایند نمی‌خواهم مردمی که عهد شکستند بر بدن من نماز بخوانند.^۲ مسئله کوتاهی مردم است. بر سر مردم فریاد می‌زنند که مردم مگر نمی‌دانید من دختر پیغمبر شما هستم؟! چرا کمک نمی‌کنید؟!

۱. «أَهْتَضَمُ ثُرَاتِ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى وَمَسْمَعٍ! تَلْبَسُكُمُ الدَّعْوَةُ، وَيَشْمَلُكُمُ الْجُبْنُ، وَفِيكُمْ الْعُدَّةُ وَالْعَدْدُ، وَلَكُمْ الدَّارُ وَالْجَنُّنُ... مَعْشَرَ الْبَقِيَّةِ، وَأَعْضَادَ الْمَلَّةِ، وَحَصَنَةَ الْإِسْلَامِ، مَا هَذِهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي، وَالسُّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي، أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَمَرَ بِحِفْظِ الْمَرْءِ فِي وُلْدِهِ؟...» (دلایل الامامه، ص ۱۲۰)
۲. «لَا تَصَلِّ عَلَيَّ أُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ علیه السلام». (بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۴۸)

عدم کلان‌نگری و آینده‌نگری مردم مدینه

عوامل مختلفی در کوتاهی مردم نقش آفرین است، اما یکی از عوامل اصلی کوتاه‌بینی و سطحی‌نگری و عدم کلان‌نگری و آینده‌نگری است. حضرت زهرا علیها السلام سعی می‌کرد مردم را به کلان‌نگری دعوت کند. آینده را به آنها نشان می‌داد و می‌فرمود اگر حکمرانی دست علی علیه‌السلام بیفتد، علی بن ابی طالب شتر حکمرانی را به آرامی بدون اینکه آسیبی ببینید به سرانجام می‌رساند و از طرف دیگر آینده شوم حذف مدیریت ولایت را به مردم بیان می‌کرد و می‌فرمود: «اگر مدیریت ولایت را کنار بگذارید، شما را بشارت دهم به شمشیرهای آخته، اختلاف همیشگی، ظالمین بر شما مسلط می‌شوند، اموال شما را می‌برند»^۱ مردم این آینده را نمی‌دیدند، قدرت آینده‌نگری نداشتند، از آن طرف قدرت کلان‌نگری هم نداشتند. قدرت کلان‌نگری یعنی دو طرف ماجرا را دیدن. اگر هزینه دفاع از ولایت را ندهیم، چه هزینه‌های سنگینی خواهیم داد؟! عدم کلان‌نگری و آینده‌نگری مردم مدینه فاجعه آفرید.

۱. «أَبْشَرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ هَزَجٍ دَائِمٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فَيُنْتَكُمُ زَهِيداً، وَ جَمَعَكُمُ حَصِيداً». (امالی طوسی، ص ۳۷۶)





جامعه ظهور، جامعه کلان نگر و آینده نگر است

ما اگر بخواهیم قدمی برای ظهور برداریم، اگر بخواهیم اقدامی اساسی برای حل مشکلات امروز جامعه خودمان انجام بدهیم، باید دو ویژگی مهم را در جان خودمان و در جامعه خودمان تقویت کنیم. آن دو صفت برجسته عبارت است از «کلان نگر» و «آینده نگر». کلان نگر یعنی چه؟ گاهی اوقات ما آن قدر درگیر جزئیات مشکلات خودمان هستیم، نمی توانیم از بالا به مسائل جاری زندگی خودمان نگاه کنیم. نمی توانیم آینده را پیش بینی کنیم.

آثار تربیتی کلان نگر و آینده نگر

بچه ها را دیدید اسیر الان هستند، پدر و مادرها معمولاً آینده نگر هستند، می گوید الان این را می خواهم، مامان و بابای هوشمند می گویند فردا چه می خواهی؟ همیشه برای فردای او نقشه می ریزند. برای امروز او هم بر اساس فردا نقشه می ریزند. مادرها بنشینند فکر کنند چطور بچه را از الان نجات دهند. بیاییم یک فکر کنیم چگونه جامعه خودمان را، جان خودمان را، همه جانبه نگر، کلان نگر، آینده نگر تربیت کنیم؟ آرامش در مشکلات، قدرت حل مشکلات برای کسی یا جامعه ای پدید می آید که این اوصاف را داشته باشد.

تلاوت قرآن، تمرین کلان‌نگری و آینده‌نگری

یکی از بهترین راه‌های نگاه از بالا به مسائل پیدا کردن و آینده‌نگری این است که زیاد قرآن بخوانیم، قرآن اولین اثرش بر روی انسان این است که آدم را کلان‌نگر و آینده‌نگر می‌کند. رفقا! قرآن را با این انگیزه بخوانیم. به این هدف قرآن بخوانیم، تمرینی برای کلان‌نگری و آینده‌نگری. فرمود: ﴿هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ﴾؛ «این قرآن ابزار بینایی برای مردم است.» قرآن آدم را دائماً به تفکر فرو می‌برد، دائماً به انسان نگاه می‌دهد. درست است که قرآن شما را به گذشته می‌برد اما راه دیدن آینده، مرور گذشته و تاریخ است؛ لذا قرآن پر است از داستان‌های تاریخی، اما نه برای اینکه شما متوقف گذشته و غرق در جزئیات بشوید. بلکه خدا می‌خواهد شما را به آینده ببرد، می‌خواهد به شما قدرت کلان‌نگری و آینده‌نگری بدهد.

آیه‌ای برای کلان‌نگرها و کلان‌نگری

یکی از آیاتی که انسان را کلان‌نگر می‌کند آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران است. این سوره بعد از شکست مؤمنان در جنگ احد نازل شده است تا یک تحلیل درست از این



شکست برای مؤمنان ارائه دهد و شبهاتی که در جامعه پراکنده می‌شود را پاسخ گوید و به بازسازی افکار و روحیه و سازماندهی مجدد مسلمانان بعد از تحمل شکست بپردازد. می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ «نه سستی کنید و کم کاری، نه غصه بخورید، چرا؟ چون شما برتر هستید البته به شرطی که مومن باشید» از بالا که نگاه کنی جامعه مؤمنین، در مواجه با دشمن دست برتر را دارد، نتیجه سه هیچ به نفع شماست. بعد برای اینکه خدا به جزئی نگرها جواب بدهد که پس ما این همه آسیب خورده ایم چه می‌شود؟ می‌فرماید: «إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاؤُهَا نَبَأَ النَّاسِ»؛ «اگر به شما جراحتی رسید (و ضربه‌ای وارد شد)، به جمعیت دشمن نیز، جراحتی همانند آن وارد گردید.» یعنی فقط یک طرفه به قاضی نرو. نقطه‌ای تحلیل نکن. فرآیند را ببین و تحلیل کن. نگو سید حسن نصر الله را زدند، نگو یحیی سنوار را زدند، بگو و ببین شما چه بلایی سر صهیون آورده‌اید، خود تحلیل‌گران صهیونیسم می‌گویند وضعیت اسرائیل بعد از هفتم اکتبر و طوفان الاقصی بهم ریخت، دشمن خودش را در مرز نابودی دیده است. یعنی ضربه شما کاری و به جا بوده است.



شاید مثل احد رودست بخورید، شاید دشمن آن قدر درنده باشند که جگر سرداری همچون حمزه را به دندان بکشند، اما نه از این رودست ها به خودتان ضعف راه بدهید و نه از دیدن این درنده خویی ها روحیه تان را ببازید. اسرائیل که عددی نیست. تاریخ، بزرگ تر از این ها را به زباله دان فرستاده!

ضربات کاری طوفان الاقصی بر جان اسرائیل چه بود؟ چرا

این طرف قصه را نمی بینیم؟!

بر اساس نظرسنجی انجام شده در دانشگاه تل آویو سهم یهودیانی که فکر می کنند اسرائیل جنگ غزه را خواهد باخت، از ۴ درصد به ۲۲ درصد افزایش پیدا کرده است. این نظرسنجی در ۷ ماه ابتدایی جنگ اسرائیل و غزه انجام شده است و احتمالات اکنون به میزان یهودیانی که فکر می کنند اسرائیل در جنگ با غزه شکست خواهد خورد، افزوده شده است! یأس و ناامیدی بر آنها حاکم است این در اثر چیست؟ در اثر ضربه ای که شما به دشمن زدید؟ پس چرا شما ناامید هستید؟! ما ضربه زدیم، ضربه کاری هم زدیم، این راهم ببین. این یعنی کلان نگری نه جزئی نگری و تحلیل نقطه ای.



خدا با امتحان جهاد یک گروه را خالص و گروه دوم را

نابودی کند

بعد خدا می‌فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا يَبِينُ النَّاسُ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾؛ این گردش ایام و پیروزی‌ها و شکست‌ها، برای نشان دادن مومنان و رو کردن بی‌ایمان‌ها و بی‌ایمانی‌هاست. ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾^۲ که کار از دست من در نرفته، مدیریت میدان با من خدا است. می‌خواهم امتحان بگیرم، یک گروه را خالص و گروه دوم را نابود کنم، گروهی که خالص و پاک می‌شوند چه کسانی هستند؟ مومنین پای کاری که در دل سختی‌ها و مشکلات و طوفان حوادث خم به ابرو نمی‌آورند و خیالشان راحت است چون خدا را دارند. کسانی که دست خدا را در وسط میدان جهاد می‌بینند. از آن طرف شما بدانید من ریشه دشمنان شما را می‌خشکانم. اصلا این شکست‌ها و پیروزی‌ها مقدمه نابودی کافران است.

خدا با این بخش از آیه، آینده‌نگری را به ما آموزش می‌دهد. عزیزم! نترس! مقاومت کن! چرا غصه می‌خوری؟! از بالا به مسئله نگاه کن. نقطه‌ای تحلیل نکن! به من اعتماد

۱. آل عمران، ۱۴۰.

۲. آل عمران، ۱۴۱.

کن، پیروزی از آن تو است، به شرطی که دستت را از دست
من جدا نکنی. اگر می بینی تو ضربه خوردی، دشمنان
تو قبل از آن ضربه خوردند، مدیریت جنگ با من است،
می خواهم خوبان شما را به شما نشان بدهم و دشمنان شما
را نابود کنم. صبح پیروزی نزدیک است، درگیر جزئیات
نشو، از بالا نگاه کن.







مبحث دوم

چشم‌ها را باید شست

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۷۳﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۷۴﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۷۵﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۷۶﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿۷۷﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿۷۸﴾ إِنَّمَا ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۷۹﴾﴾

۱. آل عمران: هرگز خیال نکن کسانی که در راه خدا شهید شده‌اند، مرده‌اند! بلکه زنده‌اند و در حضور خدا به آنان روزی مخصوص می‌دهند. از پاداشی که خدا از سر بزرگواری به آنان داده است، خوشحال‌اند و به



اولین اثر قرآن در وجود انسان چیست؟! تغییر معادلات و محاسبات ذهنی

وقتی شما دائماً در محضر قرآن قرار بگیرید، اولین کاری که قرآن با شما می‌کند چیست؟ فرمود: «هرکسی با قرآن نشست و برخاست کند، حتماً یک چیزی به او اضافه می‌شود و یک چیزی کم می‌شود. به هدایتش افزوده شده و نادیدنی‌هایش کم می‌شود.»^۱ قرآن شبیه یک استاد اخلاق

کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند مژده دهند که از مرگ نترسند و غمی برایشان نیست. و آنها را بشارت به نعمت و فضل خدا دهند و اینکه خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگرداند. این رزمندگان بعد از برگشتن از جنگ، با وجود مجروحیت، حرف خدا و رسولش را برای تعقیب دشمن گوش کردند. از بینشان، کسانی که مأموریتشان را به بهترین وجه انجام دادند و از دستورهای نظامی سرپیچی نکردند، پاداشی بزرگ می‌گیرند همانان که وقتی مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: «دشمن نیروهایش را برای حمله به شما بسیج کرده است؛ از آن‌ها بترسید»، اتفاقاً این خبر ایمان و روحیه‌شان را تقویت کرد و گفتند: «خدا ما را بس است و او خوب تکیه‌گاهی است!» دست آخر، پیروزمندانه و سربلند و بی هیچ تلفاتی، از جبهه برگشتند. در واقع، آنان دنبال رضای خدا بودند؛ چرا که خدا لطف بسیار دارد. در حقیقت این شیطان است که دوستانش را [با شایعه پراکنی و گفتار وحشت‌زا، از رفتن به جهاد] می‌ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید.

۱. امیرالمؤمنین: «مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نَقْصَانٍ مِنْ عَمَى». (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)



تمام، که در جا اثر می‌گذارد عمل می‌کند نه اینکه شما برو نسخه‌های مرا عمل کن ببینم چه می‌شود؟!

وقتی شما زیاد با قرآن نشست و برخاست کنید، یکی از اتفاقات روحی و روانی که برای شما می‌افتد این است که محاسبات و معادلات ذهنی جدید برای شما ایجاد می‌کند، بعد قضاوت‌های شما نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی اساساً تغییر می‌کند. یکی از تحولات قرآن، تحول ذهنی و تنظیم دستگاه محاسباتی انسان است.

قرآن؛ نظام محاسباتی‌ات را نسبت به شهید و شهادت عوض می‌کند

مثلاً شما ببینید اگر قرآن مربی ما باشد، چگونه اولاً ذهن ما را تربیت می‌کند، قدرت دید وسیع‌تر می‌دهد و نظام محاسباتی ما را تغییر می‌دهد؟ می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»؛ «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» در نظام محاسباتی جدید، شهادت مرگ نیست بلکه زندگی است. الان چند نفر از ماها افسوس می‌خوریم از شهادت



فرماندهان مقاومت، این افسوس از جهتی درست است و به جا، اما گاهی اوقات این افسوس‌ها، انسان را به سمت ناامیدی و ترس می‌برد که ناشی از نظام محاسباتی غلط ما از شهید و شهادت است. الان شهادت مقاومت، بهتر و بیشتر نمی‌توانند به جبهه مقاومت کمک کنند؟ الان دستشان بازتر نیست؟ به قول مقام معظم رهبری روح شهادت مقاومت نه تنها ناظر بلکه در میدان مبارزه حضور جدی دارد. اینها آثار آن زنده بودن نیست؟

نگاهت را عوض کن، عزیزم! به قول شاعر چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید. تو چرا فکر می‌کنی شهادت تمام شدن است؟ شهادت تازه آغاز ماجراست. تازه نه تنها زنده شدن است، بلکه روزی پیش خدا خوردن است.

حال سید حسن نصر الله چطور است؟

بعد خدا تغییر نگاه شما نسبت به شهادت را ادامه می‌دهد: اگر از شهدا بررسی حالشان چطور هست؟ اگر می‌خواهی از حال شهدا خیردار شوی، بیا من خدا به تو خبر بدهم: ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾؛ «آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند» الان حال سید حسن نصر الله چطور است؟

حال حاج قاسم چطور؟ شهید هنیه و سنوار و بقیه شهدای مقاومت چطور است؟ شاد شاد شاد.

پیام شهدا برای ما چیست؟

تازه این شهدا پیامی هم برای ما دارند. خبرهای خوشی برای ما دارند. با ما حرف دارند. چه حرفی؟ می‌فرماید: **﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾**؛ «به کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند مژده دهند که از مرگ نترسند و غمی برایشان نیست.»^۱ چرا غم و غصه می‌خوری؟! به تو خبر بدهم جای ما خوب است، ما ضرر نکردیم. شما هم ضرر نکردید، خدا اجر مومنین را و مجاهدات آنان را در نظر گرفته است و ضایع نکرده است. یک چشم دیگری انگاری پیدا کردند، تمام واقعیت‌ها را می‌بینند.

فقط کافی است نترسیم! ترس از دشمن ناشی از خطای

محاسباتی است

بعد می‌فرماید: **﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾**؛ «اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: ”مردم

۱. همان.



[لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسید!“ اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.» عده‌ای هستند که دل مردم را خالی می‌کنند، از هیبت دشمن، از جمع دشمن، به تعبیری از قدرت دشمن، در چنین شرایطی چه کسانی نمی‌ترسند؟ کسانی که نظام محاسباتی خودشان را تغییر داده‌اند و از بالا می‌توانند به مسئله نگاه کنند، کسانی که روی خدا حساب باز کرده‌اند، به خدا تکیه داده‌اند، به قدرت او، به نصرت او.

تکیه‌گاه تو کیست؟

با همین آیه‌ها از روی تل دوام آورد. با همین آیه‌ها بچه‌ها را یکی یکی سوار شترهای برهنه کرد و با همین آیه‌ها کاخ یزید را روی سرش خراب کرد. زینب چنین تکیه‌گاهی داشت که نشکست، که سر خم نکرد، که تا آخر جنگید. تکیه‌گاه تو کیست؟

دشمن روی ترساندن شما حساب باز می‌کند

همیشه بدانید، دشمن روی ترساندن شما حساب باز می‌کند، امروز دستگاه تبلیغاتی دشمن، ذهن‌ها را نشانه گرفته است، نظام محاسباتی حتی مسئولین را می‌خواهد



عوض کند، ما باید چه کنیم؟ روی محاسباتی واقعی‌تر، حساب باز کنیم. واقعیت‌های بزرگ‌تر. در نظام محاسباتی ما در مواجهه با دشمن، ما تنها نیستیم، ما خدا داریم و خدا میدان‌دار جبهه مقاومت است.

بعد فرمود: **«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا رَبَّ إِنَّا كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»**؛ «این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس)، می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!»^۱ یعنی از من حساب ببرید، من محاسبات شما را تغییر می‌دهم. موازنه قدرت دست من است، کافی است دستت را در دست من قرار دهی ببینی چه می‌کنم. امام در اثر هم‌نشینی با قرآن، به چنین نگاه متعالی رسیده بود، می‌توانست از بالا به مسائل نگاه کند و بعد نمی‌ترسید.

امام علیه السلام: اگر من بودم ناو آمریکایی را هدف قرار می‌دادم

وقتی آمریکایی‌ها آمدند پشت تنگه‌ی هرمز در اواخر جنگ، مقام‌های لشکری و کشوری رفتند خدمت امام که با آمریکایی‌ها چه باید کرد؟ امام فرمود «اولین ناو آمریکایی که آمد در خلیج فارس بزنید». گفتند آقا این خطرناک



است، امریکا موشک‌های کروزر دارد، بمباران می‌کند و ... امام فرمودند «آخرین کاری که امریکا می‌کند می‌آید جماران را می‌زند و مرا از بین می‌برد، بگذار ببرد. اولین ناو را بنزید، بگذارید ما در دنیا سربلند باشیم»^۱.

دلیل عدم ترس امام چیست؟

چرا امام این طوری شده است؟ چون از خدا خیلی ترسیده است. حضرت امام در اواخر عمر شریفشان این قدر در نماز شب گریه می‌کردند که حوله برای ایشان می‌آوردند، دیگر دستمال کفایت نمی‌کرد!^۲ تو وقتی به یک منبع قدرتی که همه قدرت‌ها از آنجا است، وصل هستی از چه چیزی باید بترسی جز از همان منبع قدرت.

۱. پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۶.

۲. مقام معظم رهبری، به نقل از مرحوم حاج احمد خمینی، فاطمه طباطبایی [عروس امام]: «رمضان سال قبل از رحلت امام را خوب به یاد دارم. بعضی وقت‌ها هر بار که به دلیلی نزد ایشان می‌رفتم و سعادت پیدا می‌کردم با ایشان نماز بخوانم، وارد اتاقشان که می‌شدم می‌دیدم قیافه ایشان کاملا برافروخته است و چنان اشک می‌ریختند که دیگر دستمال کفاف اشکشان را نمی‌داد و کنار دستشان حوله می‌گذاشتند. امام شب‌ها چنین حالتی داشتند و این واقعا معاشقه ایشان با خدا بود». (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۳۳)

جنگ روانی خدا با القاء ترس به دشمن

الآن هم آمریکا و اسرائیل، همان آمریکا است. هیچ فرقی با گذشته نکرده است. بلکه ترسو تر شده است و ما هم قوی تر شده ایم. کمی اقتدار باشد دشمن خودش را جمع می کند. نباید ترسید. این جنگ روانی خدا هست. این ترس دشمن از ما ترس طبیعی نیست. این ترس را خدا در دل کفار انداخته است. فرمود: «سَلِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعَبَ»؛ «به زودی در دل های کافران، رعب و ترس می افکنیم».

ترس انصار؛ مانع قیام در فاطمیه

زهرای مرضیه در تحلیل جامعه شناسانه در خطبه فدکیه خطاب به مردم مدینه چه فرمود؟ «الْأَتَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا آيْمَانَهُمْ وَهُمْ يُاْخِرَاجُ الرُّسُولَ وَهُمْ بَدَّءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ «آیا نمی خواهید بجنگید با این جماعتی که عهدهایشان را شکستند و مصمم بودند پیامبر را از مکه اخراج کنند؟! همان ها بودند که اولین بار جنگ با شما را آغاز کردند! نکنند از آن ها می ترسید؟! اگر مؤمنید، جا دارد از خدا حساب ببرید.»^۱ مردم که ترسیدند، همه مظلومیت ها آغاز شد. جسارت ها آغاز شد. روضه ها آغاز شد...

۱. آل عمران، ۱۵۱.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۰۷.



مبحث سوم

دختری در شهر پدرش غریب مانده!

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ ﴿٣٥﴾

۱. سوره حج: و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزید و بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد. [در دینتان گشایش و آسانی قرار داد مانند گشایش و آسانی] آیین پدرتان ابراهیم، او شما را پیش از این «مسلمان» نامید و در این [قرآن هم به همین عنوان نامگذاری شده‌اید] تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما هم گواه بر مردم باشید؛ پس نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به خدا تمسک جویند. او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یآوری و چه نیکو یاری دهنده‌ای است.



چرا فاطمه اطهر علیها السلام در شهر پیغمبر غریب ماند؟!

راز مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام چیست؟ چرا فاطمه اطهر علیها السلام در شهر پیغمبر غریب ماند؟! این اتفاق اصلاً اتفاق طبیعی نبود؛ اگر بگوییم مردم نسبت به امیرالمومنین، زاویه داشتند، تازه همه مردم هم این طوری نبودند، اما همه مردم به حضرت زهرا علیها السلام احترام می‌گذاشتند. مگر حضرت زهرا علیها السلام به چه چیزی دعوت می‌کرد که مردم او را اجابت نمی‌کردند؟ حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمود: «ای گروه مهاجرین و انصار خدا را نصرت بدهید. به درستی که من دختر پیغمبر شما هستم و شما با رسول الله صلی الله علیه و آله بیعت کردید که از او و فرزندان او دفاع کنید همان طور که از خود و فرزندان او دفاع می‌کنید»^۱ درد اینجاست که در ادامه آمد است: «قَالَ فَمَا أَعَاتَهَا أَحَدٌ وَلَا أَجَابَهَا وَلَا نَصَرَهَا؛ و هیچ کس زهرای مرضیه را اجابت نکرد و نصرت نداد.»^۲

آیا این جامعه توان نداشت که اوضاع را تغییر دهد؟ بله. فرمود: «شما توان و قدرت تغییر وضعیت موجود را دارید چرا اقدامی نمی‌کنید؟»^۳ پس چرا اقدامی نکردند؟

۱. «يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ انصُرُوا اللَّهَ فَإِنِّي ابْنَةُ نَبِيِّكُمْ وَ قَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ أَهْلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَنْعَوْهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ بِمَا تَنْتَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَ ذَرَارِيكُمْ ففُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ أَهْلِهِ وَسَلَّمَ بِبَيْعَتِكُمْ». (الاختصاص، ص ۱۸۴)

۲. همان.

۳. حضرت زهرا علیها السلام: «يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَةِ (التَّيْبَةِ) وَ أَعْضَادِ الْمِلَّةِ وَ حَصَنَةِ الْإِسْلَامِ!

چون مردم اهل زندگی جمعی و جهادی نبودند.

ما هذِهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَالسِّنَّةُ عَنْ ظِلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»؟ سَزَعَانِ مَا أَخَذْتُمْ وَعَجَلَانِ ذَا إِهَالِهِ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوَلُ وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أَظْلُبُ وَ أَزَاوِلُ. ای جوانمردان! وای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام! این نادیده گرفتن حق مسلم من از سوی شما چیست؟ این چه تغافلی است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان می دهید؟! آیا رسول خدا ﷺ پدرم نمی فرمود: «احترام هر کس را در مورد فرزندان او باید نگاه داشت؟» چه زود اوضاع را دگرگون ساختید، و چه با سرعت به بیراهه گام نهادید، با این که توانایی بر احقاق حق من دارید، و نیروی کافی بر آنچه می گویم در اختیار شماست.»

بعد فرمود: «إِنهَا بَنِي قَبِيلَةٍ! أَلْهَضَمَ ثُرَاتِ آيَةٍ وَ أَنْتُمْ بَمَزَائِي مَعِي وَ مَسَمَعٌ وَ مُتْتَدِي وَ حَجَمٌ؟ تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَسْمَلُكُمْ الْحُبْرَةُ وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعَدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ الْحَبْنَةُ، تُوَفِّيكُمْ الدَّعْوَةَ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغَيِّبُونَ (تُعِينُونَ)، وَ أَنْتُمْ مَوْضُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْحَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النَّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبَتْ وَ الْحَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيَرَتْ؛ عَجَبًا! ای فرزندان «قبيله!» (زن با شخصیت و شرافتمندی بود که نسب قبائل انصار به او منتهی می گردد) آیا اربث من باید پایمال گردد و شما آشکارا می بینید و می شنوید، و در جلسات و مجمع شما این معنا گفته می شود و اخبارش به خوبی به شما می رسد و باز هم خاموش نشستید؟ با این که دارای نفرات کافی و تجهیزات و نیروی وسیع و سلاح و سپر هستید، دعوت مرا می شنوید و لیبک نمی گویند؟ و فریاد من در میان شما طنین افکن است و به فریاد نمی رسید؟ با این که شما در شجاعت زبازندی می باشید و در خیر و صلاح معروفید، و شما برگزیدگان اقوام و قبایل هستید». (خطبه فدکیه)



انتظار حضرت زهرا علیها السلام از مردم چه بود؟ زندگی جهادی و مختصات آن

۱. زندگی جهادی جمعی

انتظار خدا از مردم مدینه چه بود؟ انتظار حضرت زهرا علیها السلام از مردم چه بود؟ انتظار این بود که فرمود: «**وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ**»؛ «و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید!» سنگ تمام بگذارد. انتظار خدا این است که یک زندگی جهادی داشته باشید اما این زندگی جهادی چند تا ویژگی دارد، یکی اینکه جهاد شما جمعی باشد، جهاد یک نفر در یک گوشه کافی نیست، باید همگی با هم جهاد کنید، خیلی‌ها حاضر هستند جهاد کنند، اما جهاد یک نفر یا چند نفر چه فایده برای جامعه و امام زمان عجل الله تعالی فرجه دارد؟ ما امروز چاره‌ای نداریم، برای حل مشکلات خودمان، باید زندگی جهادی جمعی داشته باشیم. باید این دندان لق را بکشیم، یعنی دل خوش کردن به اینکه با یک زندگی فردی، می‌شود مشکلات خودمان را حل کنیم. در جامعه‌ای که هر کسی دنبال این است که گلیم خودش را از آب بیرون بکشد، در معیشت، در اقتصاد، نتیجه‌اش این می‌شود که هیچ‌کسی یا اکثریت افراد جامعه نمی‌توانند، گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند. ما مضطربیم به زندگی جهادی جمعی.

۲. زندگی جهادی همه جانبه

علاوه بر اینکه زندگی جهادی باید جمعی باشد، از طرف دیگر این جهاد باید همه جانبه باشد، یک جامعه باید از چند جهت جهاد کند، در بیانیه گام دوم رهبری ۷ جنبه از جهاد را مطرح کردند، که جوان انقلابی باید در این هفت میدان جهاد کند.

۳. زندگی جهادی برای خدا باشد؛ برای خدا یعنی برای مردم

بعد فرمود که جهاد کنید جمعی همه جانبه، جهت این جهاد را هم مشخص کرد فرمود در راه خدا باشد. پس سومین ویژگی زندگی جهادی، جدای جمع‌گرایی و همه جانبه بودن، جهت آن است. فرمود: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ﴾؛^۱ «در راه خدا جهاد کنید.» منظور از راه خدا چیست؟ شهید صدر می‌فرمود: «راه خدا یعنی در راه مردم»^۲

۱. حج، ۷۸.

۲. سید محمد باقر صدر: «در این میان (سبیل الله) «راه خدا» نیز تعبیری انتزاعی از «راه خدمت به انسان» است؛ زیرا هر کاری برای خداست، در حقیقت برای بندگان اوست؛ چراکه خداوند از بندگانش بی‌نیاز است. و از آنجاکه معبود مطلق، فراتر از هر حدومرزی است و با هیچ شخصی، خویشاوندی و به هیچ گروهی، گرایش ندارد، بروز عملی راه او، راه همه انسانیت است. بنابراین کارکردن در راه خدا و برای خدا، کار کردن برای همه مردم و به نفع آن‌هاست و یک تمرین روحی - روانی مداوم



۴. سنگ تمام بگذارید!

بعد فرمود: «حَقِّ جِهَادِهِ» یعنی یک جهاد حداکثری با تمام قوا، سنگ تمام بگذارید، هرچه توان دارید به میدان بیاورید، آن وقت این زندگی جهادی اثر خواهد داشت، یکی اثراتش قدرت و توانایی حل مشکلات است. راه‌ها باز می‌شود. فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۱ خیلی از پیشرفت‌های ما در جهاد علمی به خاطر همین اصل بود. می‌گفتند کسی تکنولوژی‌اش را به ما نمی‌دهد. می‌گفتند تحریمیم. می‌گفتند ما از پشش برنمی‌آییم. تهرانی مقدم‌ها و رضایی‌نژادها و فخری‌زاده‌ها اما کوتاه نیامدند، چون این آیه را با پوست و گوشت و خون زندگی کرده بودند، چون می‌دانستند اگر سنگ تمام بگذارند، خدا هم سنگ تمام می‌گذارد و بالاخره راهش را نشان‌شان می‌دهد.

برای نیکی به مردم است. در دین هر جا سخن از راه خدا آمده است، می‌توان آن را به معنای راه همه انسان‌ها دانست. برای نمونه، اسلام راه خدا را یکی از موارد مصرف زکات قرار داده است و منظورش از راه خدا در اینجا انفاق در راه خیر و مصلحت انسانیت بوده است. همچنین اسلام مسلمانان را به جنگیدن برای نجات مستضعفان تشویق کرده و آن را جنگیدن در راه خدا نامیده است. (انسان و عبادت، ص ۵۱)

۱. عنکبوت، ۶۹.

انتظار خدا از ما در امتحان جبهه مقاومت

امروز هم انتظار خدا از ما چنین سبک زندگی جهادی است. امتحانات الهی به ما نشان می دهد انتظارات خدا، بزرگترین امتحان الهی، جهاد کردن در جبهه مقاومت است. دغدغه و مسأله و سؤال اساسی این روزهای ما چیست؟ چگونه امروز می توانیم در جبهه مقاومت جهاد کنیم با این مشخصات: جهادی جمعی، همه جانبه، در راه خدا یعنی در راه مردم مظلوم غزه تا لبنان، بعد چطوری در این جهاد سنگ تمام بگذاریم؟

فقط من یک قدری جهاد همه جانبه اش را توضیح بدهم؛ ببینید جهاد هم همیشه جانی نیست، جهاد مالی هم هست، کما اینکه خداوند متعال ۹ مرتبه جهاد مالی را بر جهاد جانی مقدم کرده است. مقام معظم رهبری فرمودند هر نوع کمکی به جبهه مقاومت واجب است.^۱

پدری می گفت: دخترم وقتی شنید در لبنان جنگ است و این آوارگان مظلوم پناهی ندارند، سکه اش را به من داد و گفت «بابا اینو ببر برای کمک به مردم لبنان هدیه کن»، به عنوان یک پدر وقتی رفتم سکه را تحویل بدهم

۱. مقام معظم رهبری: «بر همه ی مسلمانان فرض (واجب) است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را یاری کنند».



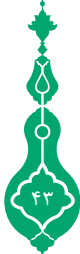
خیلی برایم سخت بود که بخواهم سکه پر از خاطرات خوش و ذوق کردن‌های دخترم را اهدا کنم، اما در زندگی‌ام هیچ حسی به شیرینی این سختی نبود.^۱

سهم تو از جهاد در مقاومت چیست؟!

جهاد امروز، یعنی هر کسی از هر جایگاهی که هست، سهم خودش را در مسیر مقاومت پیدا کند و آن را به بهترین نحو انجام دهد. یکی با تحلیل و شناخت عمیق از مسائل، به مردم بینش می‌دهد و باعث می‌شود تا حقیقت را ببینند. دیگری با هنرش، نقش‌های زیبایی از نمادهای مقاومت می‌بافد و پیام ایستادگی را به شکلی نرم و ظریف به جامعه منتقل می‌کند.

معلمی که بخشی از وقت کلاسش را صرف روشنگری جریان جبهه مقاومت می‌کند، در این جهاد شریک است؛ دانش‌آموزی که سرودی مثل سلام فرمانده می‌خواند، در خط مقاومت گام برمی‌دارد. حضور فیزیکی در مراسم‌ها و راهپیمایی‌های مقاومت خود نشانه‌ای از همبستگی و عزم مشترک است. یک خبرنگار با کار رسانه‌ای و به تصویر کشیدن حقایق، ذهن‌ها را نسبت به جنایات صهیونیسم و

۱. خبرگزاری ایسنا، طلاهایی که می‌روند تا عاقبت بخیر شوند/ مثل



آمریکا روشن می‌کند و از انحراف افکار عمومی جلوگیری می‌کند. خلاصه هرکسی در هر شغل و پیشه‌ای که هست در این مسیر جهاد کند. آن وقت نصرت الهی و پیروزی نزدیک است.

وگرنه اگر ما بی خیال چنین مدل زندگی باشیم، فردا گرفتارهای شدیدتری سراغ ما خواهد آمد و دشمن جرائت و جسارت بیشتری خواهد کرد برای نابودی زندگی ما. تمام فریادهای فاطمه اطهر^{علیها السلام} بر سر مردم مدینه همین بود که اگر زندگی جهادی جمعی همه جانبه در راه خدا به صورت حداکثری رارها کنید، هرگز روی خوشی را نخواهید دید!^۱ جهاد امروز این است که بیاموزیم هرکسی با هر هنر و هر ابزار و هر امکانی که در دست دارد، می‌تواند به ایستادگی و پایداری کمک کند و زمینه‌ساز ظهور منجی بشریت باشد.

۱. حضرت زهرا^{علیها السلام}: «أُبَشِّرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ هَزَجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيَنْتَكُمُ زَهِيداً وَ زَرَعَكُمْ حَصِيداً فَيَا حَسْرَتِي لَكُمْ وَ أَنِّي بِكُمْ وَ قَدْ عُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنْ تُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ». (معانی الاخبار، ص ۳۵۵)





مبحث چهارم

خطای محاسباتی!

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ... فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا
اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
الصَّابِرِينَ ﴿٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذَا صَبْرًا
وَوَيْتٌ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ
وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا
دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ
عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٥١﴾﴾

۱. بقره: همین‌که طالوت با مؤمنان همراهش از آن نهر آب عبور کردند و به راه خود ادامه دادند، [گروهی از آنان] گفتند: «در حال حاضر، ما قدرت مقابله با جالوت و سپاهیان‌ش را نداریم!» ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکنندهٔ خدایند (و آرزوی شهادت را در دل می‌پروراندند)، گفتند: «چه گروه‌های کم‌تعدادی بوده‌اند که به خواست



چقدر امکانات مهم است؟!

هر کدام از من و شما ممکن است دچار خطای محاسباتی شویم، یعنی خیلی ساده و روشن ممکن است در محاسبات خودمان دچار خطا شویم. قرآن بهترین مرجع و منبع است برای اینکه بفهمیم آیا ما دچار خطای محاسباتی هستیم یا خیر؟! یکی از خطاهای محاسباتی ما این است که در جنگی که یک طرف آن حق است و طرف دیگر باطل، آن چیزی که بیشتر از همه چیز کار می‌کند، امکانات مادی ما است. هر طرفی که امکانات بیشتری دارد، پس آن پیروز میدان است. گاهی امکانات، نفرات بیشتر است، گاهی تجهیزات نظامی، گاهی حامیان بین‌المللی و ... در این

خدا، بر گروه‌های پرتعداد پیروز شده‌اند. بله، خدا در کنار اهل صبر است. همین‌ها، وقتی با جالوت و سپاهیان‌ش روبه‌رو شدند، این‌طور دعا کردند: خدایا، از صبر و استقامت سرشارمان کن، قدم‌هایمان را محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما. پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند. و داود [جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود] جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیلهٔ برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرامی‌گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.»



شرایط عده‌ای وقتی مقابل دشمن می‌رسند دچار خطای محاسبات می‌شوند و می‌گویند: «لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ!»؛ «ما امروز نمی‌توانیم مقابل دشمن مقاومت کنیم.» چرا این حرف را زدند؟ چون امکانات دشمن را دیدند، نفرت دشمن را دیدند، دچار خطای محاسباتی شدند. خطای محاسباتی که در یک جمله خودش را نشان می‌دهد و در طول تاریخ تبدیل به یک شعار رسمی شده است: «ما نمی‌توانیم»

در صدر اسلام زمان پیغمبر هم این خطای محاسباتی بین برخی مؤمنان ادامه پیدا کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید مسلمانان در هنگام حفر خندق و چاله در اطراف مدینه در جنگ احزاب، به سنگ بزرگ و محکمی برخورد کردند. آن‌ها رسول خدا را مطلع کردند و آن حضرت آمد و کلنگ را از دست سلمان گرفت و ضربه‌ای بر آن صخره زد که سه جرقه از آن برخاست و به دنبال آن رسول الله فرمود: به دنبال این ضربه ام گنج‌های کسری و قیصر بر من گشوده می‌شود! در این حال یکی از اصحاب به دیگری گفت: به ما وعده گنج‌های کسری و قیصر را می‌دهد در حالی که هیچ‌کدام از ما از ترس نمی‌تواند به دستشویی برود!^۲

۱. بقره، ۲۴۹.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا حَفَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْخَنْدَقَ مَرُّوا بِكُدَيْتَةٍ فَتَنَّاوَلُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمَغُولَ مِنْ يَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَوْ مِنْ يَدِ سَلْمَانَ علیه السلام فَصَرَبَ بِهَا



اشعث رهبر جریان «ما نمی‌توانیم»

اشعث یکی از رهبران جریان ما نمی‌توانیم در زمان امیرالمومنین بود. شبی از شب‌های جنگ صفین که جنگ بالاگرفته بود، اهالی قبیله خودش را جمع کرد و گفت من آدم جنگ آوری هستم، اما تا به حال چنین جنگی ندیدم. مردم نابود شدند. مردم از جنگ خسته شده‌اند. ما نمی‌توانیم ادامه بدهیم؛ صعصعه بن صوحان می‌گوید جاسوسان معاویه این حرف را به گوش معاویه رساندند معاویه گفت به خدا قسم فردا اگر قرآن بر سرنیزه کنیم کار تمام است!

جریان «ما می‌توانیم!»

مقابل این جریانی که دچار خطای محاسباتی شدند و گفتند ما نمی‌توانیم، یک جریانی است که اتفاقاً در یک

ضَرْبَةً فَتَفَرَّقَتْ بِثَلَاثِ فَرَقٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَقَدْ فُتِحَ عَلَيَّ فِي ضَرْبَتِي هَذِهِ كُنُوزٌ كَسْرَى وَ قَيْصَرَ فَقَالَ أَخَذَهُمَا لِصَاحِبِهِ يَعِدُنَا بِكُنُوزِ كَسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ مَا يُقْدِرُ أَحَدُنَا أَنْ يُخْرِجَ يَتَخَلَّى». (کافی، ج ۸، ص ۲۱۶)

۱. «مَا قَدْ كَانَ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا الْمَاضِي وَ مَا قَدْ فِيهِ مِنَ الْعَرَبِ فَوَاللَّهِ لَقَدْ بَلَغَتْ مِنَ السِّنِّ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ أُبْلَغَ فَمَا رَأَيْتُ مِثْلَ هَذَا الْيَوْمِ قَطُّ إِلَّا فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْغَائِبِ أَنَا إِنْ نَحْنُ نَوَاقِفْنَا غَدًا إِنَّهُ لِفِتْنَاءِ الْعَرَبِ وَ صَبِيْعَةِ الْمُحْرِمَاتِ أَمَا وَاللَّهِ مَا أَقُولُ هَذِهِ الْمَقَالَةَ جَزَعًا مِنَ الْحُثْفِ وَ لِكَيْتِي رَجُلٌ مُسِنٌَّ أَحَافٍ عَلَى النِّسَاءِ وَ السِّدْرَائِي غَدًا إِذَا فَنِينَا... قَالَ صَعْصَعَةُ: فَأَنْطَلَقْتُ عُيُونُ مُعَاوِيَةَ إِلَيْهِ بِحُظْبَةِ الْأَشْعَثِ فَقَالَ: أَصَابَ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ». (وقعه الصفین، ص ۴۸۱)

محاسبه بسیار دقیق و حساب شده می‌گویند: «كَمْ مِنْ
 فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ «چه بسیار گروه‌های
 کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!»
 بر چه اساسی اینها می‌گویند ما می‌توانیم با همان امکانات
 و تعداد کم پیروز شویم، بر امکانات بیشتر؟! براساس این
 محاسبه که بزرگترین امکاناتی که ما باید روی آن حساب
 ویژه باز کنیم، کمک خداست. آنان اتفاقاً از سر شدت
 عقلانیت به این تحلیل رسیدند که ما می‌توانیم. آنان در
 محاسبات خودشان، بزرگترین امکانات را دیدند. ابرقدرت
 را در نظر گرفتند. روی قدرت و یاری قطعی و حتمی او
 حساب کردند. عجب منطق مستحکمی دارند این عده.
 منطق‌شان این است که وقتی توان اندک شما ضربه‌ر تو
 بی‌نهایت خدا شود، توان شما بی‌نهایت می‌شود.

برای همین وقتی این مؤمنان با این نگاه با دشمن
 روبرو شدند دست به دامن همین قدرت بی‌نهایت شدند
 و گفتند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
 الْكَافِرِينَ»؛ «گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فروریز،
 و گام‌هایمان را استوار ساز، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.»
 همین جاست که خداوند خبر از پیروزی‌شان می‌دهد:



﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ﴾؛^۱ «پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند. و داود [جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود] جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می‌خواست به او آموخت.»

خدایا کمک مان کن موقع خواندن خبرها دلمان نلزد، از شمردن شهیدها دلهره نگیریم و با بلوف‌های دشمن ته دلمان خالی نشود. خدایا کمک مان کن بفهمیم که دشمن، هر چه قدر هم که هیبت داشته باشد، پیش جلال و جبروت تو عددی نیست. که حزب خدا پیروز است، حتی اگر تمام چرتکه‌های زمینی خلافتش را بگویند.

کمک خدا هم بی حساب و کتاب نیست

اما کمک خدا هم بی حساب و کتاب نیست، باید برای این کمک خدا، قواعدی را رعایت کنیم. یکی از این قواعد، مقاومت است. اگر مقاومت کردی، خدا قدرت خودش را به اضافه شما می‌کند، اگر مقاومت نکردیم، از کمک خدا خبری نیست، خدا با هیچ کس تعارف ندارد، این قدرت خدا، بعلاوه ملتی می‌شود که مقاومت کنند نه کوتاهی.



خداوند متعال فرمود: **«إِنَّ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»**^۱ «اگر خدا شما را کمک کند هیچ چیزی شما را شکست نمی‌دهد، و اگر خدا شما را کمک نکند، چه کسی بعدش شما را کمک می‌کند و بر خدا مومنین باید تکیه کنند.» چقدر روشن خدا، با بندگانش حرف می‌زند، اگر می‌خواهید موفق شوید، باید روی کمک من حساب باز کنید، نه حتی امکانات خودتان.

در یکی از جنگ‌ها صدر اسلام که اتفاقاً جامعه اسلامی بیشترین امکانات را داشت، لشگر مسلمین شکست خوردند. چرا؟ چون بیش از اندازه به امکانات مادی خود تکیه زده بودند. عوض تکیه زدن به خدا. خدا می‌فرماید: **«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغَرْبِ عَنْكُمْ شَيْئًا»**^۲ «یقیناً خدا شما را در میدانهای فراوانی (بر دشمن) پیروز نمود. همان هنگامی که کثرت جمعیت شما شما را به شگفت آورده بود. ولی آن کثرت جمعیت هیچگونه شما را بی‌نیاز نکرد.»

۱. آل عمران، ۱۶۰.

۲. توبه، ۲۵.



امام خمینی علیه السلام و شعار ما می‌توانیم

حضرت امام در اولین بیانیه سیاسی خود، این آیه را شعار انقلاب قرار دادند، «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثَقَىٰ وَفَرَادَىٰ»^۱ «اگر خدا بخواهد یک موعظه داشته باشد این است که دوتا دوتا و به تنهایی برای خدا قیام کنید. امام علیه السلام به تنهایی یا با آن عده بسیار کم قیام خودش را برای خدا شروع کرد. خیلی‌ها به امام می‌گفتند نمی‌شود نمی‌توانیم، ولی امام فرمود ما می‌توانیم. تصمیم‌گیری امام علیه السلام براساس ما می‌توانیم بود. جنگ را هم براساس مبنای ما می‌توانیم مدیریت کردند. آن همه اسطوره نظامی پدید آمد با همین الگوی مدیریتی ما می‌توانیم.

منطق مقاومت

امروز بعضی‌ها می‌گویند ما نمی‌توانیم در مقابل اسرائیل بایستیم، دل مردم را خالی می‌کنند. ولی عده‌ای با این منطق غیرمادی الهی می‌گویند طبق محاسبات ما می‌توانیم. با اتکا به خداوند و تلاش و جهاد و تدبیر، شما می‌بینید یک گروه کوچکی مثل حماس، یا حزب الله واقعا معادلات و موازنه قدرت را در جهان بهم ریختند. تحلیل‌های فراوانی از خود اسرائیل وجود دارد که حماس چگونه پیکره اسرائیل

را تا لبه پرتگاه نابودی کشانده آنچنان که برخی از سران صهیون رسماً می‌گویند ما برای بقای خودمان می‌جنگیم؟! آیا این پیروزی نیست؟!

مشکل مردم مدینه، خطای محاسباتی

مردم مدینه دچار همین خطاهای محاسباتی شدند که ما نمی‌توانیم. آخرین خانه‌ای که زهرای مرضیه سلام علیها بعد از چهل روز درب زدند، خانه معاذ بن جبل بود. فرمود معاذ! آمده‌ام تا از تو کمک بگیرم، تو با رسول خدا ﷺ بیعت کردی که همان طور که از خودت و خانواده‌ات حمایت می‌کنی از فرزندان و شخص پیامبر حمایت کنی. معاذ یک پرسش کرد و آن پرسش بسیار معنا دارد بود؛ گفت یا فاطمه آیا غیر از من کسی اعلام آمادگی برای حمایت از شما کرده است؟ حضرت زهرا علیها السلام با چه احساسی فرمودند: «نه یک نفر هم مرا اجابت نکرده است؛ لَأَمَّا أَجَابِنِي أَحَدٌ» معاذ گفت پس کمک من یک نفر به چه دردی می‌خورد؟!

معاذ! تو آدم کمی نبودی؛ مگر خدا نفرموده است که برای خدا قیام کنید هرچند یک نفر باشید. مگر خدا نفرموده است که ابراهیم نبی به تنهایی خودش امت است. تو مگر پای این مکتب بزرگ نشدی که ای چه بسا

عده کمی بر عده زیادی پیروز می شوند؟ پس چرا حاضر نشدی قدمی برای خشنودی دختر رسول الله ﷺ برداری؟ اینجاست که روضه های ما شکل می گیرد، اعظم معارف ما در اعظم مصائب ماست.



مبحث پنجم

منافع مقاومت بیشتر یا منافع سازش؟!

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ
مَاءً عَذَقًا ﴿١٦﴾ لِنَفْسِهِمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا
صَعْدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾﴾

۱. سوره جن: اگر در راه درست پایداری کنید، آنان را به آب گوارای فراوان می‌رسانیم. تا آنان را در زمینه فراوانی نعمت بیازماییم، و کسی که از یاد پروردگارش روی برگرداند، او را در عذابی بسیار سخت و روز افزون در خواهد آورد و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید.



دین با منافع آدم چه تناسبی دارد؟!

بعضی‌ها یک دعوی زرگری درست کرده‌اند که آقا دین می‌خواهی یا منافعت را؟ دین را مقابل منافع قرار داده‌اند. اما آیا دین و منافع با هم تعارض دارند یا تناسب؟ با هم دعوا دارند یا نه این‌ها دوروی یک سکه هستند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که «منفعت طلبی»، اساساً چیز بدی نیست. اتفاقاً آدم‌های دین‌دار، بیشتر از دیگران به دنبال تأمین منافع خودشان هستند. اگر کسی بی‌دینی کرد در واقع دارد علیه منافع خودش اقدام می‌کند. چه بفهمد چه نفهمد.

دین، برنامه تأمین حداکثری منافع است

ما دین‌داران کمتر از منفعت طلبی در دین‌داری، صحبت می‌کنیم. شاید همین برای برخی از مردم سوء تفاهم ایجاد کند که دین‌داران اصلاً به دنبال منافع خودشان نیستند. حال آنکه دین، اتفاقاً آدم را پای منافعش این قدر محکم می‌کند که اگر کسی بخواهد منافعش را غارت کند، او را نابود خواهد کرد. خدا هیچ وقت از ما نمی‌خواهد که به خاطر دین، از منافع خودمان بگذریم! اتفاقاً دین را آورده تا برنامه‌ای برای تأمین منافع داشته باشیم؛ هم منافع یک شخص و هم منافع یک ملت.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «خداوند خلق را خلق کرد که آنها را مؤدب کند به آداب و اخلاق شریف. و خدا دید که وقتی بخواهد مردم را مؤدب کند، باید برای آنها توضیح بدهد چه چیزی به نفع شان است و چه چیزی به ضررشان است؟ و خدا دید که منافع ما را با «امر و نهی» می تواند به ما گوشزد بکند.»^۱ اصلاً خدا چرا به ما دستور داد؟ به خاطر منافع ما. تو که منفعت طلب نیستی اصلاً چه دستوری می خواهی دریافت بکنی؟ فلسفه دستور دادن خدا این است که تو ضرر نکنی!

حالا شما ببینید ادبیات حضرت زهرا اطهر علیها در دفاع از ولایت چقدر ادبیات منفعت گرایان است؛ می فرماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ... إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِّلْفُرْقَةِ»^۲ خداوند متعال اطاعت از امامان را مانع از هم گستگی جامعه قرار داده هست. حضرت زهرا علیها السلام امامت و ولایت را «کارکردگرایانه» توضیح می دهند. فواید ولایت را بیان می کنند ولی مادر تبیین مفهوم امامت، صدق گرایانه یا حق گرایانه به اثبات حقانیت و اثبات ضرورت امامت و ولایت می پردازیم.

۱. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ خَلَقَهُ أَرَادَ أَنْ يَكُونُوا عَلَى آدَابٍ رَفِيعَةٍ وَأَخْلَاقٍ شَرِيفَةٍ - فَعَلِمَ أَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا كَذَلِكَ إِلَّا بِأَنْ يُعَرِّفَهُمْ مَا لَهُمْ وَمَا عَلَيْهِمْ وَالتَّعْرِيفُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِالْأَمْرِ وَ النَّهْيِ». (احتجاج، ج ۱، ص ۲۰۷)

۲. احتجاج، ج ۱، ص ۹۹.



منافع مقاومت بیشتر است یا منافع سازش با دشمن؟!

با این مقدمه برویم سراغ یک سوال و مسئله اساسی که به زمانه ما هم خیلی ربط دارد، آن سوال این است که منافع مقاومت بیشتر است یا منافع سازش با دشمن؟! بله ممکن است سازش با دشمن هم به ظاهر منافی داشته باشد، نباید این را منکر شد. همان طور که قرآن وقتی به مسئله قمار و شراب می‌رسد می‌فرماید، بله منافی دارد، اما ضررهایش بیشتر است. ما به دنبال بیشترین منفعت و کمترین ضرر و هزینه هستیم.

پس می‌توان اینگونه بحث کرد که منافع مقاومت برای جامعه بیشتر است یا منافع سازش؟! ممکن است به صورت موقت ضررهای دشمن را با سازش دور کرد، اما شر دشمن را نمی‌توان از سر خودمان واکنیم. دست می‌دهند اما در همان آستین مار پنهان کرده‌اند، لبخند می‌زنند اما پشت همان لب‌ها دندان‌هایشان را روی هم فشار می‌دهند و صلح می‌کنند اما پشت همین میزها برای جنگ نقشه می‌کشند. می‌توانی خودت را به آن راه بزنی و این‌ها را نادیده بگیری، اما یادت باشد: گرگ‌های دنیا هیچوقت از درندگی دست برنمی‌دارند.

با ادبیات خدا صحبت کن

اما آیا مقاومت واقعا برایمان منفعتی هم دارد؟ خداوند متعال چه پاسخی به ما می‌دهد؟! می‌فرماید: ﴿وَأَنْتَ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾^۱ «اگر در مسیر حق و حقیقت یعنی اسلام ناب، استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!» آب فراوان نماد چیست؟ علامه طباطبایی این مفسر کبیر و برجسته می‌فرماید: «و" ماء غدق" به معنای آب بسیار است، و بعید نیست از سیاق استفاده شود که جمله ﴿لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ مثلی باشد که بخواهد توسعه در رزق را برساند.»^۲ چقدر جالب است ادبیات خدا در قرآن، از منافع فراوان مقاومت حرف می‌زند. اگر امروز ما می‌خواهیم درباره مقاومت حرف بزنیم، چگونه حرف بزنیم؟ با ادبیات خدا، ادبیات خدا چگونه است؟ از منافع مقاومت حرف می‌زند. و ما چقدر از این ادبیات فاصله داریم. برخی مردم را می‌ترسانند، شما از منافع مقاومت سخن بگو، دل‌ها را گرم کن.

مثل پيله‌ها که برای پروانه شدن باید خون دل بخورند، مثل جوجه‌ها که باید پوست تخم را با نوک نحیفشان بشکافند، مثل خود تو، بله حتی خود تو که برای متولد شدن

۱. جن، ۱۶.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۷۱.



باید در خون دست و پا بزنی، برای رسیدن به آسودگی، راهی به جز عرق ریختن نداری. این قاعده دنیاست.

چرا ما امروز در کنار جبهه مقاومت هستیم؟

منافع مقاومت برای جامعه ما چیست؟ امروز مقاومت مردم لبنان و غزه، چه منافی برای امت اسلامی دارد؟ چرا ما در لبنان و غزه می‌جنگیم؟ چون عاقلانه‌ترین و منطقی‌ترین کار مقاومت است. منافع ما در مبارزه با دشمن است. اولین فایده مقاومت، امنیت پایدار «وَقَالَ فَمَا آعَاتَهَا أَحَدٌ وَلَا» بازدارندگی است، آنا هم کیلومترها آن طرف تر از مرزهای ما. امیرالمومنین فرمودند: «فَوَاللَّهِ مَا غَزِيَّ قَوْمٌ قَطُّ فِي غُرِّ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا؛ به خدا سوگند، هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد.»^۱ اگر امروز ما در کنار جبهه مقاومت هستیم، چون منافع ما در گرو این همراهی است. منافع ما و مردم غزه و لبنان در هم گره خورده است. دشمن غزه، فقط دشمن غزه نیست، بلکه دشمن قسم خورده و دیرینه ما نیز هست. شاید ادایش را در بیاورند، اما هیچوقت واقعا کوتاه نمی‌آیند. دشمنی آنان با ایران و هر کس که بخواهد روی پای خود بایستد و زیر بار زورگویی شان نرود دیرینه است. امروز هسته‌ای را بهانه می‌کنند و فردا موشک را

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.



و پس فردا اصل ایران را، نه تنها در حرف که در عمل هم نشان داده‌اند به هیچ مرزی قانع نیستند. هر قدمی که به عقب برداریم، ده قدم جلوتر می‌آیند. این خاصیت زیاده‌خواهان این عالم است. ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾: «یهودیان و مسیحیان (منحرف) هیچ وقت از تو راضی نمی‌شوند؛ مگر اینکه دنباله‌رو دین شان و به طور کامل تسلیم خواسته‌هایشان شوی!»

مقاومت، راه حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و...

از طرف دیگر قرار شد کلان نگر و آینده نگر باشیم، به منافع بلند این مبارزه فکر کنیم، اگر امروز پیروز نشویم، ولی بدانیم که فردا قطعاً پیروزی جبهه مقاومت رقم خواهد خورد. بدانیم تنها راه حل مشکلات ما در حوزه‌های مختلف، برکندن ریشه‌های این مشکلات است که یکی از آن ریشه‌های اساسی، دشمن قسم خورده‌ای است که نمی‌خواهد ما به رشد برسیم. امیرالمؤمنین فرمود: «وَاللَّهِ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَلَا دِينٌ إِلَّا بِهِ؛ به خدا قسم، دنیا و دین بدون جهاد به درستی و اصلاح نمی‌رسند.»^۱ بعد بعضی‌ها خیال می‌کنند بدون مقاومت که جهاد شاخص این مقاومت است، می‌توان دنیای خودمان را اصلاح کنیم.

۱. کافی، ج ۵، ص ۸.



بیداری جهانی، اولین فایده مقاومت مردم غزه و لبنان

اولین فایده مقاومت مردم غزه و لبنان، بیداری جهانی است. در زمانی که تمام رسانه‌های نظام سلطه در حال به خواب بردن مردم جهان بودند، طوفان الاقصی، قبل از اینکه اسرائیل را بهم بزند، دل‌ها و ذهن‌های مردم جهان را به هم ریخت، دیگر در جهان آبرویی برای اسرائیل نمانده، آبرویی برای ادعاهای حقوق بشری غرب نمانده، حتی در میان مردم آمریکا و انگلستان، آیا این بیداری اثر کمی است؟ فرمود: «إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنْ مَوْضِعِهِ؛ تَكَانُ دَادِن كَوْهَهَا أَسَانْتَرُ أَز تَكَانُ دَادِن قَلْبِي أَز جَايْغَاهَشْ أَسْت.»^۱ قدرت مقاومت این است که در دل جهان بشریت نفوذ کرده است، اخیراً صدها نفر از مردم سوئد در استکهلم، پایتخت این کشور در میدان اودنپلان در اعتراض به حملات اسرائیل علیه غزه، لبنان و ایران تظاهرات برگزار کردند. معترضان با سر دادن شعارهایی با مضامینی «فلسطین آزاد»، «غزه آزاد»، «نسل‌کشی را متوقف کنید»، خواستار برقراری آتش بس فوری در غزه و لبنان شدند. آنها همچنین سوئد و آمریکا را به دلیل حمایت آن‌ها از اسرائیل محکوم کردند. صوفیه جانسون، یکی از این

۱. تحف العقول، ص ۳۵۶.



معترضان به خبرنگار گفت تا آزادی غزه به حمایت از آن ادامه خواهند داد. بعد می‌گوید: می‌دانیم که رهبران جهان عرب و اتحادیه اروپا چه کردند، آنچه را که آنها انجام دادند را فراموش نخواهیم کرد و آنها را ثبت خواهیم کرد و اطمینان حاصل خواهیم کرد که در لاهه محاکمه خواهند شد.^۱

رفقا! این بیدار شدن اصلا طبیعی نیست، اتفاقی نیست، همه جهان یک زبان شده اند، این علامت اتفاقات بزرگتر نیست؟ یکبار از امام علیه السلام پرسیدند که شما از کجا فهمیدید انقلاب پیروز شد، فرمودند وقتی که مردم همه با هم در هر جای ایران، یک حرف داشتند و آن نابودی رژیم ظالم پهلوی بود.^۲ امروز هم اگر امام علیه السلام در بین ما حضور

۱. تظاهرات مردم سوئد در اعتراض به حملات اسرائیل، دسترسی در:

«<https://www.aa.com.tr/3382439>»

۲. من در اواخر اوقاتی که در پاریس بودم توجه به یک مطلبی پیدا کردم که راجع به پیشرفت این نهضت خیلی دلخوش شدم، و این مطلب را در پاریس هم به اشخاص و اجتماعاتی که می‌شد تذکر دادم؛ و آن این بود که در انقلاباتی که در دنیا واقع می‌شود کم اتفاق می‌افتد - یا اتفاق شاید نیفتاده باشد - که اینطور باشد که یک مطلبی را که در مرکز مملکت می‌گویند، همین مطلب در کوره ده‌های دور افتاده هم باشد؛ و آن مطلبی را که روشنفکران می‌گویند، همان را مردم بازار و کوچه و دهقان و کشاورز هم همان را خواستار باشد. من در آن وقت اطلاع پیدا کردم و بعضی راه هم که از ایران می‌آمدند پیش من، به من اطلاع می‌دادند که



فیزیکی داشتند، به ما می‌گفتند که این بیداری جهانی،

قضیه خواست ملت ایران یک خواستی است که گسترش پیدا کرده حتی در آن قرا و قصبات دورافتاده‌ای که از همه جهات دورند. یک نفر که همین اواخر آمد پیش من گفت که من از دهات کمره (از نواحی اطراف خمین) و دهات چاپلق (از نواحی اطراف اصفهان) و لرستان، آنجاها رفتم و دیدم، و از آنجاها گردش کردم و دیدم و می‌آیم اینجا. و او گفت که تمام دهاتی را که من دیدم، دیدم که صبح که می‌شود، آن آخوند ده جلو می‌افتد و مردم ده دنبال او راه می‌افتند و راهپیمایی می‌کنند! و اسم از یک جایی برد که من آنجا رفتم، «قریه حسن فلک» این در اطراف کمره هست و قلعه‌ای است که شاید مثلاً آن وقتی که من دیدم ده - پانزده خانوار در آن زندگی می‌کردند؛ کوچک بود و در کنار یک کوهی واقع شده بود و از آبادیها دور بود. این شخص گفت من آنجا هم رفتم، آنجا همان حرفها را می‌زدند که در تهران می‌زدند! این از گسترشی که در همه جای ایران به وجود آورد. و یک گسترش دیگری که راجع به گروهها و جماعات بود؛ بچه‌های دبستان - یا کوچکتر از آنها - همین وزدی (۱) را که همه مردم می‌گفتند، اینها هم می‌گفتند؛ کارگراها، کارفرماها، معلمین، اجزای دادگستری، مآها، طلبه‌ها، روشنفکران - همه - یک مطلب می‌گفتند و با هم بودند. من این را اینطور فهمیدم که یک دست غیبی در کار است. انسان هر چه هم بخواهد مثلاً روشنگری داشته باشد و هر چه هم بخواهد یک همچو امری واقع بشود به این گسترش نمی‌تواند واقع بشود. من اینطور فهمیدم که خدای تبارک و تعالی در این مسئله نظر دارد و از آنجا اطمینان برایم پیدا شد که پیروزی هست. البته به این زودی و به این سهلی را نمی‌توانستم حدس بزنم. وقتی هم که شاه سابق از ایران رفت و دنبالش آن دولت بختیار آمد - که خیلی هم بی‌عقلی کرد، من هم نصیحتش کردم گوش نداد



علامت بزرگ برای پیروزی است. اصلاً خودش یک پیروزی بزرگ و آغاز شکست‌های بزرگ برای صهیونیسم است. به قول قرآن، منفعت مقاومت و استقامت، آب فراوان است که تازه این یک چشمه از آب فراوان است. امیدوارم پای منافع بلند مدت خودمان که در مقاومت است بایستیم، شاید این آخرین گام ما برای ظهور باشد با نابودی اسرائیل.

قانون جذب کمک خدا

اصلی‌ترین فایده مقاومت این است که نصرت و یاری خدا را جلب می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ «ای اهل ایمان! اگر به دین خدا کمک کنید، خدا هم کمکتان می‌کند و قدم‌هایتان را محکم می‌سازد».

روزی که دیر نیست، روزی که دور نیست

تا آخر که این طور نمی‌ماند. زمین بالاخره یک روز به صاحبان واقعی‌اش برمی‌گردد؛ به همان‌ها که پینه‌های دستشان شمردنی نیست. به همان‌ها که نجابت و سربلندی را می‌شود از چشم‌هایشان خواند. زمین یک روز

– من عازم آمدن شدم به این نکته که دیدم از طرف امریکایی‌ها دارد فعالیت می‌شود...». (۱۷ فروردین ۱۳۵۸ / سخنرانی [در جمع مردم قم و تأکید بر الهی بودن تحول در ملت])



سهم کسانی می‌شود که تا حالا سهمی از آن نداشته‌اند؛
روزی که دیر نیست، روزی که دور نیست. ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى
الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ «ما
می‌خواستیم به آنان که در زمین به ناتوانی و ضعف گرفته
شده بودند، نعمتی بزرگ ببخشیم و آنان را الگو و پیشوای
مردم و وارث جهان قرار بدهیم.»



آیات مقاومت

برکات پنهان مبارزه (بقره، ۲۱۶)

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ جنگ (با دشمن) بر شما واجب شده است، هرچند برایتان ناخوشایند است! چه بسا چیزی را دوست نداشته باشید، اما به نفعتان باشد. چه بسا هم چیزی را دوست داشته باشید، اما به ضررتان باشد. (سود و زیان واقعی تان را) خدا می داند، شما که نمی دانید.



دشمنی دیرینه (بقره، ۱۲۰)

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنَّ آتَابِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾؛ یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر اینکه دنباله‌رو دین‌شان و به طور کامل تسلیم خواسته‌هایشان شوی! به آن‌ها بگو: «فقط راهنمایی خدا راهنمایی واقعی است.» اگر بعد از اینکه این حقایق به دستت رسیده، تابع میلشان شوی، دیگر از طرف خدا هیچ یاری و حمایتی نخواهی شد.

یک قدم از تو، هزار قدم از من (محمد، ۷)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْرِجْ أَعْدَاءَكُمْ﴾؛ ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد.

همراهان محمد ﷺ چگونه‌اند؟ (فتح، ۲۹)

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾؛ محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند.

وقت یکی شدن است (آل عمران، ۱۰۳)

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم السلام] چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید.

حقانیت وعده نصرت (روم، ۶۰)

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾؛ پس [بر آزار و یاوه گویی این تیره بختان] شکیبایی کن که یقیناً وعده خدا [در مورد یاری و پیروزی تو] حق است، و مبادا آنان که یقین [به وعده های حق و برپا شدن قیامت] ندارند تو را به ناشکیبایی و سبک ساری وادارند.





آینده روشن و ظهور منجی (قصص، ۵)

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های باارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم.

زنده بودن و پیام شهدا (آل عمران، ۱۶۹ و ۱۷۰)

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (۱۶۹) فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۷۰﴾؛ و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند در حالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می‌شوند] مژده دهند که از مرگ نترسند و غمی برایشان نیست.

منطق ظلم ناپذیری (بقره، ۲۷۹)

﴿... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾؛ نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید.

سست تراز همه خانه‌ها (عنکبوت، ۴۱)

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفته‌اند، مانند داستان عنکبوت است که خانه‌ای [بی دیوار، بی سقف و بی حفاظ] برای خود بنا کرده باشد، و بی تردید سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بت‌ها را سرپرستان خود نمی‌گرفتند.

پیام ملائکه؛ نترسید و غم نخورید (فصلت، ۳۰)

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾؛ بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خدا است؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد.

شکست حتمی دشمن (آل عمران، ۱۱۱)

﴿لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوْكُمْ الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ﴾؛ هرگز به شما جز آزاری اندک نمی‌رسانند، و اگر با شما بجنگند [شکست می‌خورند و] به شما پشت کرده [فرار می‌کنند] آن‌گاه [از جانب دیگران] یاری نمی‌شوند.





کم نیاورید! (هود، ۱۱۲)

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ پس همان گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن؛ و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده‌اند [ایستادگی کنند] و سرکشی نکنید که او به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

نصرت نزدیک و قطعی خدا در سختی‌ها (بقره، ۲۱۴)

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُ الْبِأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾؛ آیا پنداشته‌اید در حالی که هنوز حادثه‌هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می‌شوید؟! به آنان سختی‌ها و آسیب‌هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند [در مقام دعا و درخواست یاری] می‌گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم]: آگاه باشید! یقیناً یاری خدا نزدیک است.

نبرد با رهبران کفر (توبه، ۱۲)

﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ
الْكَفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُوْنَ﴾؛ و اگر پیمان هایشان
را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه
و عیب جویی گشودند، در این صورت با پیشوایان کفر
بجنگید که آنان را [نسبت به پیمان هایشان] هیچ تعهدی
نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان شکنی] بازایستند.

انتقام از مجرمین (سجده، ۲۲)

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ
الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾؛ ستمکارتر از کسی که به وسیله آیات
پروردگارش تذکر داده شود، سپس از آنها روی برگرداند،
کیست؟ بی تردید ما از مجرمان انتقام می گیریم.

جنگ روانی دشمن (آل عمران، ۱۷۵)

﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا رَبَّ
إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ در حقیقت این شیطان است که
دوستانش را [با شایعه پراکنی و گفتار وحشت زاء، از رفتن
به جهاد] می ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید
و از من بترسید.





دفاع خدا از مؤمنان / اذن جنگ در برابر ظلم / نصرت
قطعی خدا (حج، ۳۸ - ۴۰)

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾
﴿۳۸﴾ اذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۳۹﴾
الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ
اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ
يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ
لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۴۰﴾؛ مسلماً خدا از مؤمنان دفاع می‌کند، قطعاً
خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد. به کسانی
که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، به
سبب آنکه به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً
خدا بر یاری دادن آنان تواناست. همانان که به ناحق از
خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز
اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خدا است و اگر خدا برخی از
مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها
و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام
خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به
کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند؛ مسلماً
خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

جهاد مالی (توبه، ۴۱)

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ با شتاب با تجهیزات سبک و سنگین [و سواره، پیاده، پیرو و جوان به سوی میدان نبرد] بیرون روید، و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید که اگر دانا [ی به حقایق] باشید این برای شما بهتر است.

جنگ تا رفع فتنه (انفال، ۳۹)

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ و با آنان بجنگید تا فتنه ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست.

آینده روشن و ظهور (اعراف، ۱۲۸)

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ موسی به قومش گفت: از خدا یاری بخواهید، و شکیبایی ورزید، یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می بخشد، و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است.



وظیفه دفاع از مظلوم (نساء، ۷۵)

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ
أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾؛

شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و
کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هر گونه راه چاره را
بر آنان بسته‌اند] نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره
می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلس ستمکارند،
بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از
جانب خود برای ما یآوری قرار ده.

سست نشدن در ادامه مسیر مبارزه (نساء، ۱۰۴)

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا
تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾؛ و
در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید. اگر شما [در
رویاری با دشمن] درد و رنج می‌بینید، آنان نیز چون شما
درد و رنج می‌بینند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش]
از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا
و حکیم است.

روایت پیروزی های حق با سپاه رعب (حشر، ۲)

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَا يَعْتَهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُجْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾؛
اوست که کافران از اهل کتاب را در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه هایشان بیرون راند. [شما اهل ایمان] رفتنشان را گمان نمی بردید، و خودشان پنداشتند که حصارها و دژهای استوارشان در برابر خدا [از تبعید و در به دری آنان] جلوگیری خواهد کرد ولی [اراده کوبنده] خدا از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دل هایشان رعب و ترس افکند به گونه ای که خانه هایشان را به دست خود و به دست مؤمنان ویران کردند. پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت بگیرید.

صبر فردی و جمعی و توسعه مقاومت (آل عمران، ۲۰۰)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.





وظیفه قطع رابطه با دشمن (ممتحنه، ۱)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ
إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ
وَإِيَّاكُمْ...﴾؛ ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان
خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی
می‌کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای
شما آمده کافرنند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به
خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می‌کنند.

عقب‌نشینی و غضب الهی (انفال، ۱۵ و ۱۶)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ
﴿۱۵﴾ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمِئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ
بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَصِيرُ ﴿۱۶﴾﴾؛ ای اهل ایمان!
هنگامی که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی
می‌کنند روبه‌رو می‌شوید، به آنان پشت نکنید و نگریزید. و
هر کس در آن موقعیت به آنان پشت کند [و بگریزد] سزاوار
خشمی از سوی خدا شود و جایگاهش دوزخ است و دوزخ
بازگشت‌گاه بدی است مگر [اینکه گریزش برای انتخاب
محلّی دیگر] جهت ادامه نبرد با دشمن، یا پیوستن به گروهی
[تازه نفس از مجاهدان برای حمله به دشمن] باشد.

ترس شدید دشمن از مؤمنان و اختلافات درونی شان
(حشر، ۱۳ و ۱۴)

﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنْتُمْ قَوْمٌ لَا
يَفْقَهُونَ ﴿۱۳﴾ لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ
جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنْتُمْ
قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۴﴾﴾؛ [آری منافقان، کافران از اهل کتاب را در
گرماگرم جنگ به هنگام خطررها می‌کنند و می‌گریزند؛ زیرا]
ترس آنان از شما در دل‌هایشان بیش از ترس از خداست؛
چون آنان قومی هستند که [حقایق را به خاطر کوردلی]
نمی‌فهمند. همهٔ آنان [به صورت متحد و یک پارچه] با شما
نمی‌جنگند مگر در آبادی‌هایی که دارای حصار و قلعه و
دژ هستند، یا از پشت دیوارها، دلاوری آنان میان خودشان
شدید است [ولی از رویارویی با شما می‌ترسند]، آنان را
متحد و هم‌دست می‌پنداری در حالی که دل‌هایشان
پراکنده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند.





اطاعت ویژه از رهبری و عدم نزاع درونی (انفال، ۴۵ و ۴۶)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾﴾؛ ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید، که سست و بد دل می شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

دشمنی دیرینه صهیونیست‌ها (مائده، ۸۲)

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾؛ یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت.

تا آخر که این‌طور نمی‌ماند. زمین
بالاخره یک روز به صاحبان
واقعی‌اش برمی‌گردد؛ به همان‌ها
که پینه‌های دستشان شمردنی
نیست. به همان‌ها که نجابت و
سربلندی را می‌شود از چشم‌هایشان
خواند. زمین یک روز سهم کسانی
می‌شود که تا حالا سهمی از آن
نداشته‌اند؛ روزی که دیر نیست،
روزی که دور نیست.

مقتبس از آیه ۵
سوره قصص



زندگی با آیه‌ها

نهجست ملى حفظ و تبیین آیه‌های قرآن کریم

